

المتوکل علی الله احمد بن سلیمان

احیاگر و آغازگر دوره دوم حکومت زیدیه یمن (حک: ۵۳۲-۵۶۶ق)

محمدتقی سازندگی^۱

چکیده: المتوکل علی الله احمد بن سلیمان (متوفای ۵۶۶ق) پس از افول حکومت فاطمیان مصر و حکومت صلحیان اسماعیلی، در سال ۵۳۲ در یمن قیام کرد و توانست بر مناطق شمالی مستولی گردد و زیدیه را که به مدت یک قرن در فترت و انزوای سیاسی بودند، دوباره احیا کند و با تکاپوی سیاسی و فرهنگی، به عنوان آغازگر دوره دوم شناخته شود. سؤال این است که المتوکل چگونه توانست در عرصه سیاسی و فرهنگی به زیدیه جانی دوباره ببخشد؟ نگارنده مقاله حاضر کوشیده است با شناخت عوامل و موانع پیشرفت متوکل، با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع تاریخی کتابخانه‌ای، نقش قدرت سیاسی و فرهنگی المتوکل را ارزیابی کند. حمایت المتوکل از علمای زیدیه، برقراری صلح میان قبایل و همچنین احیای حدود و احکام الهی، از جمله تلاش‌های المتوکل است. این نتیجه حاصل شد که با وجود فعالیت حسینیّه و مطرفیه، به دلیل عدم انسجام زیدیه صعده و صنعاء، تعصبات قبیله‌ای، پراکندگی یاران و رقابت میان حاکمان محلی، المتوکل با اقتدار توانست مناطق شمالی یمن را متحد کند.

واژه‌های کلیدی: المتوکل احمد بن سلیمان، زیدیه، مطرفیه، حسینیّه، یمن

شناسه دیجیتال (DOI): [10.61186/pte.15.59.3](https://doi.org/10.61186/pte.15.59.3)

^۱ دکترای تخصصی تاریخ و تمدن اسلامی mt.sazandegi92@gmail.com

<https://orcid.org/0000-0002-3050-8329>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۱۴ تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۱۱/۱۴

Al-Mutawakkil `Ala Allah Ahmad bin Sulayman The Reviver and Initiator of the Second Era of Zaydi Rule in Yemen (Reign: 532-566 AH)

Mohammad Taqi Sazandegi¹

Abstract: After the decline of the Fatimid dynasty in Egypt and the Sulayhid Ismaili rule, Al-Mutawakkil `Ala Allah Ahmad bin Sulayman (d. 566 AH) revolted in Yemen in the year 532 AH and managed to control the northern regions of the country. He revived Zaydism, which had been in a state of political isolation and stagnation for a century, and is known as the initiator of the second era through his political and cultural endeavors. The question is how did Al-Mutawakkil manage to revive Zaydism in the political and cultural spheres? This paper aims to evaluate the role of Al-Mutawakkil's political and cultural power by identifying the factors and obstacles to his progress, using a descriptive-analytical approach and relying on library historical resources. Some of Al-Mutawakkil's efforts include supporting Zaydi scholars, establishing peace among tribes, and reviving religious limits and rulings. It is concluded that despite the activities of the Husayniyya and the Mutrafiyah, due to the lack of solidarity among Zaydis of Sa'dah and Sana'a, tribal prejudices, the dispersion of their supporters, and the rivalry among local rulers, Al-Mutawakkil was able to authoritatively unite the northern regions of Yemen.

Keywords: Al-Mutawakkil Ahmad bin Sulayman, Zaydism, Mutrafiyah, Husayniyya, Yemen.

DOI: [10.61186/pte.15.59.3](https://doi.org/10.61186/pte.15.59.3)

1 Ph.D. in Islamic History and Civilization. mt.sazandegi92@gmail.com
<https://orcid.org/0000-0002-3050-8329>
Date Received: 2023/09/05 Date Approved: 2024/02/03

مقدمه

در سال ۴۴۴ق. با کشته شدن امام زیدیه «ابوالفتح دیلمی» توسط علی بن محمد صلیحی (متوفای ۴۵۸ق)، سلسلهٔ امامان زیدیه متوقف شد و حکومت زیدیه در یمن به مدت یک قرن دچار فترت و انزوای سیاسی گردید و رو به افول گرایید؛ تا اینکه در سال ۵۳۲ق. المتوکل علی الله احمد بن سلیمان (متوفای ۵۶۶ق) دعوتش را آغاز کرد. وضعیت اجتماعی و سیاسی قبایل و حکومت‌های محلی در دورهٔ قیام المتوکل نابسامان بود و هر یک در تلاش برای تشکیل حکومت و گسترش قلمرو خود بودند. بنی حاتم در صنعا به رهبری سلطان حاتم بن احمد (متوفای ۵۷۰ق)، بنی مهدی در تهامه به فرمانروایی علی بن مهدی الحمیری (متوفای ۵۵۴ق)، بنی نجاح در زبید به ریاست الفاتک سوم (متوفای ۵۵۳ق) و بنی زریع در عدن به فرمانروایی محمد بن سبأ دارای منصب سلطنت بودند و فعالیت سیاسی داشتند. در بُعد فرهنگی نیز به علت ناهمگونی و ظهور گروه‌هایی چون حسینیّه، مُطرفیه و اسماعیلیه، بر چالش‌ها و مشکلات فرهنگی افزوده می‌شد. در چنین شرایطی، شناخت المتوکل و چگونگی فعالیت‌های وی برای احیای زیدیه ضروری می‌نماید. متوکل توانست زیدیه را از انزوای سیاسی بیرون بیاورد و بعد از فترت صدساله، جانی دوباره به زیدیه ببخشد و به عنوان احیاگر زیدیه، دورهٔ دوم حکومت زیدیه (۵۳۲-۹۶۵ق) در یمن را آغاز کند و با تکاپوی سیاسی و نظامی، دامنهٔ قلمرو خویش را گسترش دهد و بر مناطق شمال یمن مستولی گردد و تا حدودی به دوران قدرت و شوکت و جلال زیدیه بازگردد. نگارندهٔ این مقاله با رویکرد توصیفی-تحلیلی و استفاده از منابع کهن و دسته اول تاریخی، در پی آن است تا نقش مهم المتوکل در عرصه‌های سیاسی و فرهنگی را تبیین کند.

پس از تحقیق دربارهٔ این موضوع، دریافتیم که فقط در کتاب *سیره الامام متوکل علی الله احمد بن سلیمان*^۱ به شرح احوال و زندگی او پرداخته شده است و در میان منابع معاصر کتاب یا مقالهٔ مستقلی دربارهٔ فعالیت‌های متوکل یافت نشد. فقط در برخی پژوهش‌ها با اشاره‌ای کوتاه و گذرا نامی از المتوکل علی الله به میان آمده است. تفاوت این تحقیق آن است که به‌طور خاص نقش فعالیت‌های المتوکل در عرصهٔ فرهنگ و سیاست مورد واکاوی قرار گرفته است.

۱ سلیمان بن یحیی ثقفی (۲۰۰۲)، *سیره الامام متوکل علی الله احمد بن سلیمان*، تحقیق عبدالغنی محمد عبدالعاطی، [بی‌جا]: عین الدراسات و بحوث الانسانیة.

۱. زندگینامه

المتوکل علی الله احمد بن سلیمان^۱ از نوادگان الهادی علی الحق (متوفای ۲۹۸ق) در سال ۵۰۰ ق. در خاندانی علوی در نواحی حوث^۲ دیده به جهان گشود (ثقفی، ۲۰۰۲: ۱۰-۱۲). در منابع زیدی از وی تعریف و تمجید شده و او را شاعری فصیح، خطیبی بلیغ، خوشرفنار، فاضل و کریم خوانده‌اند (ابن حمزه، ۱۴۰۶: ۹۳۱/۱؛ خزرجی، ۱۴۳۰: ۳۱۱/۱). وی از کودکی شعر می‌سرود (واسعی، ۱۳۴۶: ۲۹). متوکل خود را امام بحق و امیر المؤمنین می‌دانست (مطاع، ۱۹۸۶: ۳۵۵) و هدفش این بود که با تکاپوی سیاسی، مناطق شمالی و جنوبی یمن را متحد کند و حکومت زیدیه را گسترش دهد.

۲. کوشش‌های فکری - عقیدتی

حضور فرقه‌ها و گروه‌هایی چون مطرفیه، حسینیّه و اسماعیلیه آشفتگی اندیشه‌ها و باورهای گوناگون و فشار فزاینده را بر فضای فکری، فرهنگی و عقیدتی زیدیه یمن تحمیل می‌کرد. متوکل علوم دینی را نزد عالمان زیدیه فرا گرفت و در ققه و اصول سرآمد شد (محلّی، ۱۴۲۳: ۲۱۹/۲-۲۲۲؛ ابن‌فند، ۱۴۲۳: ۷۴۸/۲-۷۵۲، ۷۶۷). با توجه به وضعیت فرهنگی و فعالیت فرقه‌ها و مذاهب گوناگون در قرن ششم، متوکل ابتدا به مقابله با گروه‌های مخالف درون زیدیه روی آورد و از شخصیت‌های برجسته زیدی کمک گرفت و با تألیف کتاب‌های متعدد و تربیت شاگردان برجسته، با آنها مبارزه کرد. در این بخش به فعالیت فکری و فرهنگی متوکل اشاره می‌شود:

۲-۱. مقابله با مطرفیه

مشاجرات کلامی و اختلافات سیاسی به ایجاد گروه‌هایی در میان زیدیه مانند مطرفیه^۳ و مختّرعه^۴

۱ نسب او «احمد بن سلیمان بن محمد بن مطهر بن علی بن امام ناصر احمد بن امام هادی علی الحق یحیی بن الحسین» است (ثقفی، ۲۰۰۲: ۱۱).

۲ حوث: شهری قدیمی میان خمر و سفیان که مرکز قبایل حاشد بوده و دارای مساجد و مدارس علمی و موطن علما و بزرگان یمنی بوده است (مقحفی، ۱۹۸۵: ۵۲۷/۱).

۳ مهم‌ترین دیدگاه مطرفیه نگاه خاص آنان به نوع جهان‌شناسی و فلسفه طبیعی و موضوعات مربوط به اعراض است. آنان معتقد بودند خداوند وقتی عناصر اربعه را خلق کرد، امور خلقت را به همان عناصر واگذار و باقی اشیا از همان عناصر آفریده شدند و نتیجه این نوع نگرش، انکار و رد توحید در ربوبیت بود (مادلونگ، ۱۳۷۵: ۲۷۵).

۴ مختّرعه: این گروه متأثر از مکتب اعتزال بصره، با تفکرات مطرفیه به شدت مخالفت کردند و از اختراع اعراض در اجسام توسط خداوند متعال سخن گفتند (زید، ۱۹۹۷: ۲۶۱-۲۶۳).

انجامید (فؤاد سید، ۱۴۰۸: ۲۴۱-۲۴۳). اندیشه‌های مطرفیه به تدریج از اواسط قرن پنجم آغاز شد و تا زمان متوکل به اوج قدرت رسید. این گروه در دوره فترت و انزوای سیاسی زیدیه، به سرعت در حال انتشار و ترویج اندیشه و عقاید خود بودند و متوکل بر آن شد تا از گسترش آن جلوگیری کند (وجیه، ۱۴۲۰: ۲۷۸-۲۸۲). متوکل از عالمان بزرگ و پیرو مُخترعه بود که با قدرت به مقابله با مطرفیه برخاست. او مطرفیه را تکفیر می‌کرد و آنها را بدعتی در زیدیه می‌دانست^۱ (ابن‌فند، ۱۴۲۳: ۷۶۹/۲-۷۷۴). بر همین اساس، با تألیف ردیه‌هایی به مبارزه علمی و فرهنگی پرداخت. او کتاب‌ها و رساله‌هایی با عنوان *الرسالة الصادقة فی تبیین ارتداد الفرقة المارقة فی الرد علی المطرفیة من الزیدیة و رسالة الهائثمة لأنف الضلال من مذاهب المطرفیة الجهال* را در ردّ مطرفیه تألیف کرد (محلی، ۱۴۲۳: ۲۱۹/۲-۲۴۶؛ ابن‌فند، ۱۴۲۳: ۷۴۸/۲-۷۶۸؛ زید، ۱۹۹۷: ۴۴-۶۳).

متوکل با حمایت و بهره‌مندی از عالمان زیدی، از سرعت ترویج اندیشه‌های آنان کاست. زید بن حسن بیهقی بروقی^۲ (متوفای حدود ۵۵۴ق) از شاگردان حاکم بیهقی جشمی^۳ (متوفای ۴۹۴ق) یکی از عالمان برجسته زیدیه است (سبحانی، ۱۴۲۴: ۲۹۵/۲-۲۹۶) که در دوران متوکل علیه مطرفیه نقش مؤثری داشت. متوکل از او خواست با ترویج اندیشه‌های کلامی معتزله (که در میان زیدیه ایران رواج داشت)، مخترعه را در مقابله با مطرفیه یاری رساند (شهری، ۱۴۲۱: ۷۷۵/۳). بیهقی بروقی در بلاد خولان شام ساکن شد و در صعه به مدت دو سال و نیم هر روز در مسجد الهادی به تدریس می‌پرداخت و از آثار حاکم جشمی روایت می‌کرد و هر هفته در مورد فضایل الهادی الی الحق و فرزندانش سخنرانی می‌کرد؛ به گونه‌ای که صحبت تکراری نداشت (شهری، ۱۴۲۱: ۴۰۵/۱). با تکاپوی علمی او، قاضی جعفر و تعدادی از علمای مطرفیه از عقاید خود دست کشیدند (شهری، ۱۴۲۱: ۴۴۷/۳-۴۴۸).

در عصر متوکل یک متکلم، محدث و فقیه برجسته به نام قاضی جعفر مسوری (متوفای

۱ علی محمد زید بر این باور بود که مطرفیه مذهبی زیدی و بومی بود که مخاطبش قبایل بودند و به مساوات میان مردم دعوت می‌کرد (زید، ۱۹۹۷: ۶۴-۱۰۴، ۲۰۱-۲۹۷).

۲ نام کامل او «تاج‌الدین زید بن الحسن بن محمد فخرالدین أبوالحسن البیهقی البروقنی» است (شهری، ۱۴۲۱: ۱۰۳/۱). بروقن از توابع بیهق (سبزوار) خراسان است (همو، همان، ۴۴۶).

۳ نام کامل او «ابوسعید محسن بن محمد بن کرامه جشمی بیهقی» معروف به «حاکم جشمی» است (سبحانی، ۱۴۲۴: ۲۲۸/۲).

۵۷۳ق) نقش مهمی در مقابله با مطرفیه ایفا کرد (سناعی، ۱۴۲۲: ۲۰). قاضی جعفر پیرو مذهب اسماعیلی بود و بعد از آن به زیدیه گروید و از اساتید و فقهای معتزله گیلان که به یمن آمده بودند، اعتزال را فرا گرفت و به مطرفیه گروید. سپس تحت تأثیر تعالیم و آموزه‌های بروقنی بیهقی قرار گرفت و از مخترعه حمایت کرد (ثقفی، ۲۰۰۲: ۱۳۵؛ زید، ۱۹۹۷: ۱۳۲). متوکل در سال ۵۴۳ق. قاضی جعفر را به همراه بیهقی بروقنی به عراق فرستاد تا با کسب علوم زیدیه بتواند از مخترعه دفاع کند. او بعد از کسب علم و اجازه روایت از عالمان زیدیه^۲ و جمع‌آوری آثار آنها، در سال ۵۵۴ق. به یمن بازگشت و در روستای سناع در جنوب صنعا به تدریس و مناظره و مجادله با مطرفیه پرداخت (اکوع، ۱۴۱۷: ۹۵۶/۲). گویا متوکل اموالی را در اختیار جعفر گذاشته بود تا هر آنچه می‌تواند از کتاب‌های علمای زیدیه در ایران و عراق، با خود به یمن بیاورد (سناعی، ۱۴۲۲: ۲۱) و با پشتیبانی متوکل به مقابله با مطرفیه پردازد (شامی، ۱۴۲۶: ۵۵۲/۱؛ اکوع، ۱۴۱۷: ۹۵۶/۲). بدین ترتیب، با یاری متوکل در سناع مدرسه علمی و دینی بنا کرد (ابن‌فند، ۱۴۲۳: ۷۷۱/۲) تا مذهب مخترعه را ترویج کند (سناعی، ۱۴۲۲: ۲۱؛ زید، ۱۹۷۷: ۱۳۷) اما با مخالفت جدی و شدید مطرفیه مواجه شد (سناعی، ۱۴۲۲: ۲۲). آنها درصدد تهدید و آزار و اذیت قاضی جعفر برآمدند که با دخالت و حمایت متوکل خصومت‌ها به پایان رسید (ابن‌أبی‌الرجال، ۱۴۲۵: ۳۷۸/۲؛ ثقفی، ۲۰۰۲: ۲۸۱-۲۸۲؛ ابن‌فند، ۱۴۲۳: ۷۷۲/۲-۷۷۴). تکاپوی علمی قاضی جعفر موجب شد بسیاری از عالمان مطرفیه از افکار و عقاید خود دست بکشند و از عقاید کلامی وی پیروی کنند.

۲-۲. مقابله با حسینیّه

حسینیّه در قرن ششم قمری فعالیت و حضور جدی داشت و در نواحی شمالی یمن و بیشتر در بلاد «الاهنوم» و منطقه «شهاره»^۳ حکومت می‌کردند. شرایط امامت زیدیه در برخی از حسینیّه

۱ نام کامل او «جعفر بن أحمد بن أبی‌یحییٰ عبدالسلام ابن‌اسحاق، شمس‌الدین، التیمی البهلولی الیمانی» معروف به قاضی جعفر مسوری است (سبحانی، همان، ۲۸۲).

۲ قاضی جعفر در سال ۵۵۲ق. در ری از احمد بن أبی‌الحسن کنی اجازه روایت گرفت و به فراگیری کتب امامان زیدیه از جمله الزیادات المؤید بالله نزد او پرداخت (شهاری، ۱۴۲۱: ۲۷۴/۱) و در مکه از شمس‌الدین علی بن عیسی مشهور به ابن‌وهّاس (متوفای ۵۵۶ق) کتاب جلاء الابصار و شماری از آثار جشمی را سماع کرد و از او اجازه روایت آثار زیدیه را گرفت (شهاری، ۱۴۲۱: ۲۷۵/۱، ۷۷۴/۲).

۳ شهاره: یکی از قلعه‌های نفوذناپذیر است که در شهر صنعا قرار دارد (مطاع، ۱۹۸۶: ۲۵۱).

وجود داشت، اما اعتقاد به باورهای مهدویت و غیبت حسین بن قاسم عیانی (متوفای ۴۰۴ق)، مانع اعلام امامت و قیام بود (ابن فند، ۱۴۲۳: ۷۱۷/۲؛ ابن قاسم، ۱۳۸۸: ۱/۱: ۲۵). هرچند از دیگر امامان زیدیه که اعلام قیام می کردند، حمایت به عمل می آوردند^۱ (ابن قاسم، ۱۳۸۸: ۱/۱: ۲۵۸-۲۶۸). متوکل در کتابهای *حقائق المعرفة* (متوکل، ۱۴۲۴: ۲۹۱-۴۹۲) و *الحکمة الثریة* (ربعی، ۱۴۱۳: ۳۵۳-۳۵۱) حسینیه را نقد و رد کرده و گفته بود حسینیه از زیدیه جدا شده است.^۲ متوکل معتقد بود عده‌ای از برادرزاده‌های حسین بن قاسم قائل به غیبت و مهدویت او می باشند (متوکل، ۱۴۲۴: ۴۹۳) و در کتاب *الحکمة الثریة* نوشته است: «برخی اعتقاد به مهدویت حسین را اعتقاد مستقلی می دانند؛ چون می گویند حسین بر هفت اقلیم پادشاهی خواهد کرد» (ربعی، ۱۴۱۳: ۳۵۲). متوکل باور به برتری حسین بن قاسم نسبت به پیامبر^(ص) را پوچ، باطل و جاهلانه می دانست و با نقد شدیدی گفته است: «آنها نمی فهمند که امامان از سوی پیامبر^(ص) مستحق مقام والای امامت شدند و به دلیل خویشاوندی با پیامبر^(ص) و آموختن علم و دانش از اوست که امام خوانده می شوند؛ حال چگونه حسین برتر از پیامبر^(ص) شده است؟! چگونه بر هفت اقلیم پادشاهی خواهد کرد؛ درحالی که پیامبر^(ص) چنین نکرده است؟!» (متوکل، ۱۴۲۴: ۴۹۵-۴۹۶).

۳-۲. مقابله با اسماعیلیه

در تاریخ یمن، مناسبات زیدیه با اسماعیلیه به شدت خصمانه نشان داده شده و حضور و نفوذ اسماعیلیه حافظی و طیبی یکی از مهم ترین چالش‌ها و موانع قیام متوکل بود (واسعی، ۱۳۴۶: ۲۹). متوکل کتاب *الرسالة المتوکلّیة فی هتک أستار الإسماعیلیة* را به عنوان پاسخی به اسماعیلیان و انذار از فریب خوردن به فرمان آنان، در سه فصل تألیف کرد (حسینی اشکوری، ۱۴۱۳: ۳۸/۲). او در این اثر اسماعیلیه را کافر دانسته، نسب علوی بودن فاطمیان مصر را رد کرده و آنها را از نسل عبدالله بن میمون قدام دانسته و نوشته است: «توبه اسماعیلیه قابل قبول

۱ در سال ۴۲۶ق. ابوهاشم حسن بن عبدالرحمن (متوفای ۴۳۱ق)، در سال ۴۳۷ق. ناصر ابوالفتح دیلمی (متوفای ۴۴۴ق) و در سال ۴۵۸ حمز بن ابی هاشم (متوفای ۴۵۸ق) سه امام زیدی مدعی مقام امامت در یمن، در قرن پنجم بودند که حسینیه و اشراف قاسمی تا حدودی از آنها حمایت می کردند (ر.ک. به: ابن قاسم، غایة الأمانی). برای مثال در سال ۴۳۸ ابوالفتح دیلمی منصب امیرالامرای را به جعفر بن قاسم عیانی تحویل داد (ابن قاسم، ۱۳۸۸: ۱/۱: ۲۴۷).
 ۲ نشوان بن سعید حمیری (متوفای ۵۳۷ق) نیز در کتاب *حور العین* بر جدایی حسینیه از زیدیه تأکید و تصریح کرده است (ربعی، ۱۴۱۳: ۱۵۶).

نیست و قتل آنها واجب است و ازدواج با آنها باطل است و نماز بر جنازه آنها جایز نیست» (ثقفی، ۲۰۰۲: ۱۹۴-۱۹۳). منازعات سیاسی میان متوکل و صلیحیان اسماعیلی طیبی، بعد از درگذشت ملکه اروی در سال ۵۳۲ق. و با سقوط حکومت صلیحیان کمتر شد و پس از متوکل با سقوط حکومت فاطمیان مصر، نزاع و درگیری زیدیه با اسماعیلیان طیبیه به پایان رسید. البته همچنان پیروان حافظیه که از قبایل یام بودند (مانند همدانیان در صنعا و زریعیان در عدن)، حضور داشتند.

۳. تکاپوی سیاسی

۳-۱. حمایت از امام زیدی

در سال ۴۴۵ق. عبدالله بن سلیمان برادر متوکل، از حوث نامه‌ای به متوکل نوشت که فساد و فحشا زیاد شده و شخصی از بزرگان زیدیه باید برای احیای امر به معروف و نهی از منکر قیام کند. متوکل در آن زمان در جوف^۱ ساکن بود (زباره، ۱۴۱۹: ۱۳۷/۲). متوکل به شرکت در قیام علی بن زید بن ابراهیم مَلِیح^۲ (متوفای ۵۳۰ق) از نوادگان الهادی اِلِی الحَق (متوفای ۲۹۸ق) اعلام آمادگی کرد تا در حمله به صنعا علیه اسماعیلیه، از وی حمایت سیاسی و نظامی کند (عرشی، ۱۳۱۸: ۳۸). علی بن زید با جمع‌آوری سپاهی از قبایل صعده و اطراف آن، به سوی صنعا حرکت کرد و متوکل نیز با برادران خود یحیی و عبدالله (ابن فند، ۱۴۲۳: ۷۴۴/۲) از جوف خارج شد. آنها توانستند یاران فراوانی از قبایل همدان، خولان، کهلان و سایر قبایل قحطان گردآوری کنند (مدنی، ۱۴۲۶: ۲۹۸/۱؛ ابن فند، ۱۴۲۳: ۷۴۴/۲) و در «شَطْب»^۳ به یکدیگر پیوستند. متوکل به علی بن زید پیشنهاد داد بدون اتلاف وقت، هرچه سریع‌تر به صنعا حمله شود، اما علی بن زید قبول نکرد و در شطب در میان قبیله بنی حجاج مدتی ساکن شد (مطاع، ۱۹۸۶: ۲۹۸). او توسط قبیله بنی حجاج (جراحی، ۱۴۰۷: ۱۷۸) در جمادی‌الثانی سال ۵۳۱ در شطب محاصره و کشته شد (مطاع، همان، همان‌جا). در منابع زیدی آمده است که علی بن زید مقام علمی بالایی نداشت و

۱ جوف: منطقه‌ای وسیع در شمال شرق صنعا به فاصله ۱۴۰ کیلومتر است (حجری، ۱۴۱۶: ۱۹۵/۱).

۲ نسب او «علی بن زید بن ابراهیم بن الملیح بن المنتصر بالله محمد بن المختار بن الناصر بن الهادی اِلِی الحَق» است (مطاع، ۱۹۸۶: ۲۹۸).

۳ شَطْب: شهری در نزدیکی سوّده، در غرب شهر خَمَر واقع شده است (مقحفی، ۱۹۸۵: ۸۶۶/۱). همچنین مدارس علمی، دینی و قبور عالمان یمنی در آن شهر قرار دارد (حجری، ۱۴۱۶: ۴۵۲/۲).

فقط می توانست قرآن بخواند، به احکام و شرعیات به طور کامل مسلط نبود (مدنی، ۱۴۲۶: ۲۹۸/۱) و شرایط امامت زیدیه در او محرز نشده بود (ابن قاسم، ۱۳۸۸: ۲۹۵/۱-۲۹۴)؛ همچنین بیشتر هدفش به دست آوردن غنایم جنگی بود و در مدیریت نظامی و فرماندهی ضعیف بود و به پیشنهاد متوکل توجهی نکرد (زید، ۱۹۹۷: ۴۲)، اما چون دست به قیام زده بود و بقیه عالمان و اشراف زیدی همچون قاضی نشوان بن سعید الحمیری (شامی، ۱۴۲۶: ۲۲۸/۲) از وی تبعیت می کردند، متوکل در سپاه وی قرار گرفت و با او همراهی کرد؛ زیرا متوکل موقعیت مناسبی برای قیام نداشت (عرشی، ۱۳۱۸: ۳۸)، اما در صدد قیام بود و به آن فکر می کرد (مطاع، ۱۹۸۶: ۳۰۳).

۳-۲. آغاز دعوت و قیام

بعد از کشته شدن علی بن زید، متوکل بدون هیچ دستاوردی به جوف بازگشت و شعری در مورد علی بن زید و یارانش سرود (ابن فند، ۱۴۲۳: ۷۴۶/۲) و مشغول زراعت و کشاورزی شد (شامی، ۱۴۲۶: ۴۶۶/۱)؛ تا اینکه فساد و فحشا در صعده زیاد شد و نوادگان الهادی و اشراف زیدیه نتوانستند وضعیت نابسامان اجتماعی و فرهنگی را اصلاح کنند و از متوکل درخواست کردند برای اجرای حدود الهی قیام کند (شامی، ۱۴۲۶: ۴۶۶/۱). او در سال ۵۳۱ق. در حالی که ۳۱ سال داشت، در صدد آماده سازی زمینه های قیام برآمد (ثقفی، ۲۰۰۲: ۱۴). با فوت ملکه اروی در سال ۵۳۲ق، صلیحیان اسماعیلی ضعیف شدند و در همان سال حاتم بن حماس درگذشت و بنی همدان در صنعا بر سر جانشینی دچار اختلاف داخلی شدند. متوکل که در درون زیدیه رقیب نداشت، بعد از قتل علی بن زید اقدام به قیام کرد و در سال ۵۳۲ دعوتش را علنی آغاز کرد. در جوف اعلامیه های دعوتش را توزیع کرد، اما کسی از وی حمایت نکرد (مطاع، ۱۹۸۶: ۳۰۴). وی با تعداد اندکی از جوف به جبل برط^۱ رفت. در حیوان^۲ با برادرش یحیی بن سلیمان ملاقات کرد و ۱۵ روز در آنجا ماند و در مخالفت و ادعای با برادر دیگرش عبدالله بن سلیمان دیدار و در مورد قیام گفت و گو کرد (زید، ۱۹۹۷: ۴۸). در حیدان به خولان صعده رفت و میان قبایل آنجا صلح برقرار کرد. او از قبیله **الدّهمة** پیروانی یافت (زبارة، ۱۴۱۹: ۱۳۵/۲) و سپس به املح^۳ عزیمت

۱ جبل برط: کوهی معروف در شمال شرق صنعا که از همدان و بکیل در آنجا ساکن می باشند (حجری، ۱۴۱۶: ۱۰۷/۱).

۲ حیوان: از شهرهای بزرگ و حاصل خیز همدان. حدود شش فرسخی صنعا قرار دارد و محل سکونت اشراف حاشد است (ابن حاکم، ۱۴۰۳: ۱۴۳/۱).

۳ املح: وادی بزرگی که در شرق صعده واقع است. روستاها و مزارع فراوانی دارد و قبایل شاکر از بکیل همچون وائله و ←

کرد و به نجران^۱ رسید و در آنجا با شیخ العون بن ز غلبه بن علی بن الجعدی الیامی ملاقات کرد (مطاع، ۱۹۸۶: ۳۰۴). شیخ گزارشی دربارهٔ رواج فساد و مشکلات و چالش‌های اجتماعی و فرهنگی شهر نجران را به متوکل ارائه داد و با او بیعت کرد (ابن حمزه، ۱۴۰۶: ۹۳۹/۱). متوکل به ارشاد اهالی نجران پرداخت و آنها را به فریضهٔ امر به معروف و نهی از منکر سفارش کرد و کسانی را که شراب نوشیده بودند، تازیانه زد و خانه‌های هنجارشکنان را ویران کرد (مطاع، ۱۹۸۶: ۳۱۰). سپس مردم را به قیام دعوت کرد (شامی، ۱۴۲۶: ۴۵۶/۲)، اما تعداد کمی حدود ده نفر به وی پیوستند و بقیه به دلیل خشکسالی و قحطی، از ترس حمله‌های قبایل، از مزارع و محصولات کشاورزی خود نگهداری می‌کردند و به وی پیغام دادند تا بعد از فصل درو و برداشت محصول صبر کند (زید، ۱۹۹۷: ۴۸). یحیی بن سلیمان و تعدادی از همراهان به وی توصیه کردند به نزد همدانیان در جوف برود؛ به همین دلیل با حاتم بن سلیمان الیامی و سالم بن الخطر الیامی به سوی جوف حرکت کرد (مطاع، ۱۹۸۶: ۳۰۴). در جوف میان قبیلهٔ بنی عامر صلح برقرار کرد و آنها با وی بیعت کردند. سپس به برط بازگشت و پنج روز در آنجا اقامت گزید و پس از تشکیل سپاهی، با قبایل وادعه، شاکر، دهمة، بنومرّة، یام و جبل، به دلیل شرارت و فساد که داشتند، جنگید و سرانجام آنها تسلیم شدند و از وی اطاعت کردند (مطاع، ۱۹۸۶: ۳۰۴، ۳۱۲).

۳-۳. فتح صعده

متوکل در سال ۵۳۳ق. در اوایل فصل زمستان (محلّی، ۱۴۲۳: ۲۳۲/۲) با هزار و چهارصد مرد از علما و جنگجویان قبایل و سیصد نفر از مردان شجاع زیدی از جمله قاضی اسحاق بن احمد بن عبدالباعث (متوفای ۵۵۵ق) به شهر صعده رسیدند^۲ (مؤیدی، ۱۴۳۸: ۲۳۱) و شهر را با وجود مقاومت اهالی، به زور تصاحب کردند و اموال فراوانی را از آنها به غنیمت گرفتند و متوکل مدتی در آنجا اقامت گزید (ابن حمزه، ۱۴۰۶: ۹۳۸/۱). وی از اقامت در جبّج^۳ به دلیل جو

دهمة در آنجا ساکن‌اند (حجری، ۱۴۱۶: ۹۰/۱).

۱ نجران: ساکنان نجران از قبیله یام می‌باشند. شهر نجران در کنار کوه عسیر واقع شده و قبایل خولان، وادعه و شاکر در آنجا ساکن می‌باشند (حجری، ۱۴۱۶: ۷۳۴/۴؛ حموی، ۱۳۸۰: ۲۶۶/۵).

۲ در برخی منابع تعداد باران متوکل را تا بیست‌هزار جنگجوی سواره و پیاده ذکر کرده‌اند (محلّی، ۱۴۲۳: ۲۳۴/۲؛ مؤیدی، ۱۴۳۸: ۲۳۱).

۳ جبّج: ناحیه‌ای در غرب صنعا که در نزدیکی صعده، ضوران، وصاب و شهر ریمه قرار دارد (حجری، ۱۴۱۶: ۱۷۷/۱).

نامناسب و شلوغ بودن آنجا کراهت داشت (ثقفی، ۲۰۰۲: ۲۶۷) و در یرسم^۱ هم به دلایل امنیتی و ترس از سوء قصد به خانواده‌اش، ساکن نشد (ابن‌فند، ۱۴۲۳: ۷۵۶/۲). بنابراین با همسر و فرزندانش در قلعهٔ باستانی تلمص^۲ در منطقهٔ قدیمی صعده مستقر شدند و قلعه را با گچ و آجر بازسازی کرد (ابن‌فند، همان، همان‌جا). این اقدام متوکل نشان می‌دهد که وی به مردم صعده اعتمادی نداشت و تمایل داشت به دور از مرکز شهر و شلوغی، اقامت کند تا مورد سوء قصد قرار نگیرد.

در سال ۵۳۲هـ.ق. ملکه اروی در ذی‌جلبه^۳ درگذشت و حکومت صلیحیان ضعیف شد. سلطان حاتم به متوکل پیشنهاد عجیبی داد مبنی بر اینکه با توجه به ضعف صلیحیان اسماعیلی، با یکدیگر صلح کنند و برای تصرف مناطق جنوبی یمن، متحد شوند و قلمرو خود را گسترش دهند و متوکل به عنوان فرمانده به سوی مناطق جنوبی حرکت کند (زید، ۱۹۹۷: ۴۹) اما متوکل به دو دلیل به این پیشنهاد جواب رد داد. نخست اینکه متوکل نمی‌توانست به سلطان حاتم و همدانیان صنعا که پیرو اسماعیلیهٔ حافظی بودند، اعتماد کند و چه‌بسا این نقشه و تدبیری از سوی حاتم بود تا متوکل را از صنعا دور کند و همهٔ توان و نیرویش مشغول جنگ در مناطق جنوبی شود. دوم اینکه متوکل در مقام و موقعیتی نبود که بتواند قبایل پراکندهٔ شمال را متحد کند؛ زیرا کنترل و نفوذ بر قبایل یمنی کار سخت و دشواری بود و نمی‌توانست به آنها اعتماد کند و ضمانتی نبود که از دور او پراکنده نشوند. علاوه بر آن، تعداد یارانی هم که داشت، به دلیل کمبود آذوقه و غذا از او فاصله گرفته بودند (زید، ۱۹۹۷: ۵۰)؛ در نتیجه جواب مثبت به حاتم نداد.

۳-۴. فتح صنعا

در سال ۵۴۵هـ.ق. در یک اجتماع هزارنفره، اشراف و بزرگان زبیدیة، متوکل را به عنوان امام تأیید کردند و تصمیم گرفتند با وی بیعت کنند و هیئتی از بزرگان و عالمان قبایل را به ملاقات

→ ۳۷۷/۲، ۵۵۴/۳.

۱ یرسم: منطقه‌ای که در جنوب غربی صعده قرار دارد (مقحفی، ۱۹۸۵: ۴۷۱/۲).

۲ تلمص: قلعهٔ بزرگ باستانی که در زمان جاهلیت به آن جماع گفته می‌شد. بر فراز کوه مرتفع و مشرف به شهر صعده ساخته شده بود و رودخانه‌ها و نه‌های زیادی به آن سرازیر می‌شد. در زمان جاهلیت نوال بن عتیک نازع الاکتاف و سیف بن ذی یزن الحمیری در آنجا ساکن بودند (ابن‌فند، ۱۴۲۳: ۷۵۶/۲).

۳ ذی‌جلبه: یکی از زیباترین شهرهای یمن که در جنوب اب واقع است. در آن دو رودخانه در همهٔ فصول سال جاری است. نقشهٔ شهری آن در سال ۴۵۸ق. توسط عبدالله بن محمد طراحی شد. بعد از علی صلیحی، ملکه سیده اروی در این شهر زندگی می‌کرد و به دارالعز معروف گردید (ابن‌مجاور، ۱۹۹۶: ۶۵/۱).

متوکل فرستادند (مطاع، ۱۹۸۶: ۳۱۹؛ مدنی، ۱۴۲۶: ۳۰۱/۱). متوکل پس از تثبیت موقعیت در صعده، به سوی صنعا پیشروی کرد و قاضی نشوان بن سعید حمیری^۱ (متوفای ۵۷۳ق) مؤلف کتاب *الحوار العین*، با وی بیعت کرد و از او مکرر خواست تا به مناطق شمالی بسنده نکند و جنوب یمن را نیز تصرف کند (شامی، ۱۴۲۶: ۴۵۶/۲). در فتح صنعا علاوه بر قاضی نشوان حمیری، افرادی چون قاضی جعفر و شیخ اسحاق بن عبدالباعث الداوری که از بزرگان و علمای زبیدیه بودند، او را همراهی کردند (جرافی، ۱۴۰۷: ۱۷۹). متوکل در این سال جعفر بن احمد بن عبدالسلام را به عنوان قاضی و خطیب صنعا منصوب کرد (تقفی، ۲۰۰۲: ۲۸۲-۲۸۱). این انتصاب نشان می‌دهد که متوکل و قاضی جعفر با یکدیگر متحد شده بودند (شامی، ۱۴۲۶: ۲۲۷/۲) و روابط میان آنان تنگاتنگ بود (زید، ۱۹۹۷: ۱۳۲).

حاکم صنعا حاتم بن احمد، از طرفداران کیش اسماعیلیه حافظی بود و توانست حکومت خود را چنان گسترش دهد که در دوره‌های قبل از او سابقه نداشته است. وی نبردها و درگیری‌های خونین متعددی با متوکل داشت که تا یک دهه به طول انجامید؛ تا جایی که قدرت و نیروی انسانی و نظامی هر دو طرف به تحلیل رفت و از نبردهای پی‌درپی خسته شدند. سلطان حاتم با حمایت قبایل بکیل و بنی‌شهاب (مطاع، ۱۹۸۶: ۳۲۱) با او جنگید، اما شکست خورد و متوکل مقتدرانه صنعا را به تصرف درآورد و قصر حاتم را تخریب کرد (عرشی، ۱۳۱۸: ۳۸) و بسیاری از اهالی به سوی نجران فرار کردند (عمارہ یمنی، ۱۹۸۵: ۱/۳۶۰). متوکل در سال ۵۴۵ق. به روستای بیت بوس^۲ رفت (محلّی، ۱۴۲۳: ۲/۲۳۶) و در مدت اقامت خود در آنجا، داعیانی به اطراف فرستاد و اشراف و بزرگانی از جنب^۳، عبس^۴ و زبید^۵ را با خود همراه کرد (محلّی، همان، همان‌جا). سپس در ذی‌حجه همان سال، همراه با گروه‌هایی که از مذحج و بکیل به او

۱ نشوان بن سعید فقیه زبیدی، قاضی، معتزلی، زبان‌شناس، ادیب، تاریخ‌دان، نسب‌شناس و مؤلف یمنی در سده ششم هجری بود. او از تبار یکی از پادشاهان حمیر بود (زرکلی، ۲۰۰۲: ۸/۳۳۵). متوکل و نشوان هر دو از شاعران فصیح و بلیغ بودند که با هم مکاتبات شعری داشتند (جرافی، ۱۴۰۷: ۱۷۹).

۲ بیت بوس: روستا و قلعه‌ای در جنوب غربی صنعا که نام آن به ذی‌بوس بن ذی‌سحر منسوب است (حجری، ۱۴۱۶: ۱۲۹/۱).

۳ جنب: روستایی در شمال صعده که قبایلی از مذحج، سحنان، شمران و هفان در آنجا ساکن‌اند (حجری، ۱۴۱۶: ۱۹۲/۱).

۴ عبس: در شمال حجه و جنوب غربی صعده واقع است (مقحفی، ۱۹۸۵: ۲/۱۰۰۹).

۵ زبید: منطقه‌ای که در شهر صعده واقع است (حجری، ۱۴۱۶: ۲/۳۹۱).

پیوسته بودند، صنعا را فتح کرد. با همدانیان صنعا که حاضر به اطاعت از او نبودند، جنگید و امور شهر را سامان داد و اوامر و احکام الهی و حدود شرعی اسلامی را اجرا کرد و هزاران دینار مالیات آنها را بخشید (محلّی، ۱۴۲۳: ۲/۲۳۶). حاتم که به رَوْضَة^۱ پناه برده بود، به متوکل نامه نوشت و از او طلب عفو و بخشش کرد (زبارة، ۱۴۱۹: ۲/۱۳۷-۱۳۷). اما با مخالفت اطرافیان متوکل مواجه شد و مدتی در رَوْضَة ماند تا اینکه در زیر کوه برآش^۲ درحالی که باران شدیدی می‌آمد، با یکدیگر مواجه و درگیر شدند (زبارة، ۱۴۱۹: ۲/۱۳۸).

۳-۵. نبرد رَغَام

در سال ۵۴۶ق. بنی‌زواحی که در قلعهٔ کوبکان^۳ ساکن بودند، برای تحویل قلعه و تسلیم شدن به سوی متوکل آمدند، اما همدانیان و در رأس آن سلطان حاتم با اقدام آنها مخالفت کردند، تا اینکه جنگ در گرفت و نام آن را رَغَام^۴ گذاشتند (زبارة، ۱۴۱۹: ۲/۱۳۸). متوکل پس از شکست همدانیان، به غیمان و سپس ذمار^۵ رفت و پس از ملاقات با بزرگان آل دعام، به جیبج در صعده بازگشت. سپاه حاتم از نبردهای پی‌درپی خسته شده بود و توانایی مقابله با متوکل را نداشت. در نهایت، در سال ۵۴۷ق. متوکل و حاتم در روستای بیت‌الجالد^۶ با یکدیگر ملاقات و صلح کردند. متوکل شرایط و مفادی را به حاتم پیشنهاد داد و حاتم مجبور به پذیرش و اجرای آن گردید (مطاع، ۱۹۸۶: ۳۳۲). مقرر شده بود یاران و اصحاب متوکل در صنعا سکونت کنند و به جان و مالشان تعرض نشود و در صنعا امر به معروف و نهی از منکر شود و خطبه به نام اسماعیلیه ممنوع گردد؛ همچنین مذهب الهادی الی‌الحق اظهار گردد و احترام بزرگان و اشراف زبیدی حفظ شود و در همه جا جنگ و خصومت علیه زبیدیہ ترک شود (زبارة، ۱۴۱۹: ۲/۱۳۹). پس از انعقاد صلح‌نامه، متوکل پیروزمندانه و راضی از این قرارداد، با قبایل مختلف ملاقات کرد و

۱ رَوْضَة: در شمال صنعا با فاصلهٔ دو ساعت واقع است. قبیلهٔ بنی‌حارث در آنجا ساکن می‌باشند (حجری، ۱۴۱۶: ۲/۳۷۳).

۲ برآش: کوهی بزرگ با ارتفاع ۲۹۰۰ متر از سطح دریا که در شرق صنعا واقع است (مقحفی، ۱۹۸۵: ۱/۱۴۹).

۳ کوبکان: قلعه‌ای معروف در شمال غرب صنعا که بر کوهی بلند و صعب‌العبور با ارتفاع سه‌هزار متر از سطح دریا، با نقره و سنگ‌های درخشان ساخته شده است (قزوینی، ۱۳۷۳: ۱۱۴).

۴ رَغَام: به معنای خاک نرم و لگد شده و شن‌زار است (حموی، ۱۳۸۰: ۲/۵۳۳-۵۳۴).

۵ ذمار: شهری که در صد کیلومتری جنوب صنعا واقع است (حجری، ۱۴۱۶: ۲/۳۴۱).

۶ بیت‌الجالد: روستایی در نزدیکی اَرْحَب که در شمال شرق صنعا واقع است. قبر امام زبیدی حمزّه‌بن ابی‌هاشم که در قرن پنجم به دست علی‌بن محمد صلیحی به قتل رسید، در آنجا قرار دارد (حجری، ۱۴۱۶: ۱/۶۶).

با آنها پیمان صلح بست. قبایل در مناطقی چون خولان شام، حیدان، وادعه، جوف، مدع، مسور، جنب و ذمار بودند (زباره، ۱۴۱۹: ۱۳۸/۲). او با اسماعیلیه در قبایل وادعه که پیمان نبستند، جنگید (شامی، ۱۴۲۶: ۴۶۶/۱).

۳-۶. نبرد غَیْل جُلَاجِل

در رجب سال ۵۴۹ متوکل با بخشی از پیروان اسماعیلیه باطنیه^۱ از یام^۲ و وادعه درگیر شد که به نبرد غَیْل جُلَاجِل^۳ معروف گردید. هنگامی که متوکل به یام رسید، متوجه شد مردم مرتکب فسق، فجور و فحشا شدند (محلّی، ۱۴۲۳: ۲۳۷/۲) و با باطنیه درگیری لفظی شدیدی پیش آمد و منجر به جنگ میان آنان شد. علت خشم متوکل این بود که در ماه رمضان یکی از زنان باطنیه در جمع سپاهیان متوکل، موی سر خود را کوتاه کرد و از تجاوزی که پسرش به او کرده بود، شکایت کرد. متوکل غضبناک شد و قسم خورد که باطنیه را از میان بردارد (شامی، ۱۴۲۶: ۴۶۹/۱؛ دیلمی، ۱۹۵۰: ۱۰۲). در روز جمعه ماه ربیع‌الأول همان سال زلزله شدیدی رخ داد که لرزش آن از صنعا تا عدن احساس شد و تعداد زیادی مردم کشته شدند و تعدادی از قلعه‌ها، روستاها و خانه‌ها ویران گردید^۴ (مطاع، ۱۹۸۶: ۳۳۴). پس از آن متوکل با صد سواره و هزار پیاده از قبایل نَهْد، جَنْب و خُتَم که در شهرهای بنی‌شریف و سَنحان شام ساکن بودند (شامی، ۱۴۲۶: ۴۶۹/۱)، با اهل یام و وادعه جنگید و پیروز شد. او اموال آنان را غنیمت گرفت و تا سه روز مشغول تخریب خانه‌های آنها گردید و بقیه اهالی آنجا را به نجران تبعید کرد (عماره یمنی، ۱۹۸۵: ۳۶۰؛ مطاع، ۱۹۸۶: ۳۳۳). سپس به جَبَجَب رفت و دو ماه در آنجا ماند و با شریف قاسم بن غانم که به سبب اختلاف با برادرش وهاس بن غانم، از تهامه به کوه العرو^۵ رفته

۱ باطنیه سه گروه بودند؛ اسماعیلیه، دروزیه و نصیریّه. این فرقه بدین دلیل که برای آیات قرآن و احکام دین به ظاهر و باطن قایل بودند و باطن را از ظاهر برتر می‌شمردند و مراد اصلی آیات و احکام را همان باطن می‌دانستند، به باطنیه معروف شدند (ر.ک: زکار، ۲۰۰۷: ۱۱۷/۱-۱۲۰). نشوان در کتاب حور/العین در مورد آنها آورده است: «آنها اهل یمن و از زندقه و مرتد هستند که حتی با گفتن شهادتین هم وجوب قتلشان رفع نمی‌شود» (دیلمی، ۱۹۵۰: ۱۱۵).

۲ یام: قبیله‌ای از حاشی و همدان است. ابتدا در جوف بودند و به نجران مهاجرت کردند. تعدادی از این قبیله در غرب حراز هم ساکن‌اند (حجری، ۱۴۱۶: ۲/۷۷۴؛ مقحفی، ۱۹۸۵: ۱۸۹۹/۲).

۳ جُلَاجِل: منطقه‌ای در شهر وادعه که در شمال غربی صعده واقع است (ابن حاکم، ۱۴۰۳: ۱/۲۲۵).

۴ خزرچی در کتاب العسجد المسبوك فیمن ولی الیمن من الملوك نام قلعه‌ها، روستاها، مسکن‌ها و تعداد جان‌باختگان این زلزله را بیان کرده است (خزرچی، ۱۴۰۱: ۱۳۲).

۵ العرو: کوهی در غرب صعده به فاصله ۳۷ کیلومتری قرار دارد (مطاع، ۱۹۸۶: ۳۳۳).

بود، ملاقات کرد و او را با خود به صعده و جوف بُرد (محلّی، ۱۴۲۳: ۲/۲۴۰-۲۴۴؛ مطاع، ۱۹۸۶: ۳۳۳؛ عرشی، ۱۳۱۸: ۱۷، ۳۹-۴۰).

۳-۷. نبرد شَرَزَه^۱

سلطان حاتم، محمد بن علیان بن سعید بحیری خولانی^۲ (متوفای ۵۵۲ق) را که به همراه سیصد نفر با متوکل بیعت کرده بود، در بازار سَهَمَان صنعا که برای خرید مایحتاج به آنجا آمده بود، به قتل رساند (ابن دبیع، ۱۴۰۹: ۲۴۸). متوکل از شنیدن این اتفاق ناراحت شد و درصدد انتقام و حمله به صنعا برآمد (شهاری، ۱۴۲۱: ۱۰۴۷/۲). او در سال ۵۵۲ق. بار دیگر با همدانیان در میان مناطق سَنَحان، شیعان، اسناف و ردعان معروف به نجد الشَّرَزَه، با سلطان حاتم جنگید و پیروز شد. بعد از این رویداد که به ایوم الشَّرَزَه (مطاع، ۱۹۸۶: ۳۳۷) یا یوم شیعان^۳ معروف شد (ابن فند، ۱۴۲۳: ۷۴۸/۲)، متوکل با هزار و هشتصد سواره نظام از قبایل مذحج، یعرب، جَب، عَس و زبید، در ماه شعبان سال ۵۵۲ آماده نبرد گردید (محلّی، ۱۴۲۳: ۲/۲۴۰). سلطان حاتم با حمایت امیران و اشراف اطراف صنعا مانند همدان، جنب و سنحان توانست با تجهیزات جنگی همراه با نهصد سوار و ده هزار پیاده و سه هزار تیرانداز از صنعا خارج شود (محلّی، ۱۴۲۳: ۲/۲۴۰). متوکل با تعداد بسیار کمتری در مقابل سپاه حاتم قرار گرفت و لشکرش را سامان داد و به آن آرایش نظامی داد و دو گروه در جناح چپ و راست گمارد و در وسط، سپاه وفاداران و بزرگان شیعه را قرار داد (محلّی، همان، همان جا). هنگام نبرد طوفان و باد شدیدی در جهت موافق وزید که به نفع یاران متوکل بود و تیراندازان حاتم نتوانستند تیری به سوی سپاه متوکل بیندازند (مطاع، ۱۹۸۶: ۳۳۷). متوکل در یک نبرد سخت، با پانصد کشته و پانصد اسیر از حاتم، پیروز شد و حاتم به برآش صنعا عقب نشینی کرد (خزرجی، ۱۴۳۰: ۱/۳۱۴). متوکل نیز به سوی پایتخت صنعا عزیمت کرد (زباره، ۱۴۱۹: ۱۴۳/۲). سپاهیان به دستور متوکل قصرها و قلعه‌ها از جمله قصر عَمَدان^۴ را ویران کردند (ابن فند، ۱۴۲۳: ۱۴۲۲/۲) و مردم صنعا تسلیم شدند

۱ شَرَزَه: دره‌ای معروف در شهر سنحان که در نزدیکی روستای شعسان واقع است (حجری، ۱۴۱۶: ۴۴۹/۳).

۲ «محمد بن علیان» عالم و دانشمند از مخترعه بود. او بعد از ابوطالب اخیر (متوفای ۴۴۴ق) با متوکل بیعت کرد، اما پدرش علیان بن سعد از نزدیک‌ترین شاگردان مطرف بن شهاب و از مطرفیه بود (شهاری، ۱۴۲۱: ۲/۴۶۳).

۳ شیعان: روستای معروفی در سنحان که در نزدیکی جنوب شرقی صنعا واقع است (ابن فند، ۱۴۲۳: ۱۴۲۸/۲).

۴ عَمَدان: قصری قدیمی و چند طبقه و مرتفع در شرق صنعا که مسیر نفوذناپذیری داشت (ابن حناک، ۱۳۸۶: ۲۶/۸-).

(مطاع، ۱۹۸۶: ۳۳۷).

۳-۸. نبرد با بنی‌نجاح در زبید

متوکل در سال ۵۵۳ق. به درخواست اهالی زبید (زبارة، ۱۴۱۹: ۱۴۴/۲) برای نبرد با فاتک بن محمد بن فاتک بن حبش (متوفای ۵۵۳ق) امیر بنی‌نجاح، عازم زبید شد. فاتک سوم به فسق، فجور و فحشا روی آورده بود و لباس زنان می‌پوشید و احکام اسلامی را رعایت نمی‌کرد (مدنی، ۱۴۲۶: ۳۰۲/۱). متوکل زبید را تصرف کرد و به کمک اهالی ناراضی، فاتک را به اسارت درآورد (زبارة، ۱۴۱۹: ۱۴۴/۲). اصحاب و یاران نزدیک فاتک، به متوکل مبلغ دینه هنگفتی در مقابل آزادی فاتک پیشنهاد دادند، اما متوکل نپذیرفت و او را به قتل رساند (مدنی، ۱۴۲۶: ۳۰۲/۱؛ عماره یمنی، ۱۹۸۵: ۳۶۱؛ شهاری، ۱۳۵۱: ۴۲۱). متوکل در مقابل خدمتی که به مردم زبید کرد، مالی درخواست نکرد و حتی غذایش را خودش می‌خرد و از آنها چیزی طلب نکرد^۱ (ابن‌فند، ۱۴۲۳: ۷۶۴/۲). متوکل هشت روز در زبید ماند، اما چون تعداد انبوه لشکریان در شهر، مشکلات و مزاحمت‌هایی برای اهالی ایجاد کرده بود (خزرجی، ۱۴۳۰: ۳۱۴/۱)، بلافاصله برای آنجا والی انتخاب کرد و پیروزمندانه بازگشت (عماره یمنی، ۱۹۸۵: ۳۶۱). گویا متوکل از نبرد در برابر بنی‌مهدی در هراس بود و به سرعت زبید را ترک کرد (ابن‌خلدون، ۱۴۰۸: ۳۰۹/۳).

۳-۹. امامت متوکل در حجاز و ایران

از قرن ششم به بعد مناسبات فرهنگی و سیاسی میان زبیدیة ایران و یمن رواج یافت و به رسمیت شناختن امام زبیدی به عنوان رهبری واحد، امری عادی بود.^۲ در میان امامان زبیدی، متوکل از

→ ۲۸) و حاتم آن را مستحکم کرده بود (ابن‌فند، ۱۴۲۳: ۷۶۲/۲). گفته شده است این قلعه توسط قاضی الرشید که از مصر آمده بود، مهندسی و بازسازی شده است (ابن‌دیبع، ۱۴۶۱: ۸۵)؛ به گونه‌ای که چاهی در آن حفر کرد و کاخی مربع‌شکل ساخت و از مصالح گچ، آجر و چوب در آن استفاده کرد. همچنین خندقی دور آن کند که مانند آن در صنعا و یمن دیده نشده است (ابن‌فند، ۱۴۲۳: ۷۶۲/۲).

۱) ابن‌خلدون گفته است: «متوکل به شرطی به اهالی زبید یاری رساند که فاتک را بکشند و متوکل را امیر خود بدانند، اما متوکل از ترس بنی‌مهدی شبانه گریخت» (ابن‌خلدون، ۱۳۶۳: ۳۰۹/۳).

۲) براساس گزارش‌ها، در قرن ششم حداقل در سه مقطع زبیدیان ایران و یمن رهبری واحدی را پذیرفتند: ۱. پذیرش و تبلیغ امام زبیدی ایران، ابوطالب اخیر یحیی بن احمد بن حسین هارونی (متوفای ۵۲۰ق) در یمن؛ ۲. پذیرش دعوت

نظر تکاپوی علمی و جهادی کم‌نظیر بود و توانست بر بیشتر مناطق شمالی یمن مستولی شود. دعوت او تا گیلان و دیلم رسید و در برخی نواحی جزیره العرب، مانند خیبر و حجاز هم خطبه به نام او خوانده می‌شد (محلّی، ۱۴۲۳: ۲/۲۴۴-۲۴۵؛ ابن‌فند، ۱۴۲۳: ۲/۷۶۶-۷۶۷). در سال ۵۶۰ق. شخصیتی شجاع و دلیر به نام سید علی بن محمد حسنی غزنوی^۱ که نسبتش به علی بن حسین سجاده^(ع) می‌رسید، در گیلان قیام کرد (مادلونگ، ۱۹۸۷: ۱۵۹). او از غزنة خراسان به مازندران و گیلان مهاجرت کرد و پس از دعوت اهالی آنجا به مذهب زیدیه، با حمایت مردم زمام امور را در گیلان به دست گرفت. او با سید محمد بن اسماعیل داوودی بر سر تصاحب منصب امامت زیدیه در گیلان، حدود سی سال نزاع و درگیری‌های خونین داشت (مادلونگ، ۱۹۸۷: ۱۶۰؛ فقیه محمدی جلالی، ۱۳۸۵: ۱۳۰-۱۳۱). سید محمد به اوامر و احکام زیدیه پایبند نبود و سست عقیده بود و با خشونت رفتار می‌کرد؛ به همین دلیل مردم از وی رویگردان بودند (فقیه محمدی جلالی، ۱۳۸۵: ۱۳۱-۱۳۲). سید علی در گیلان مردم را به امامت خود دعوت نکرد، بلکه به نیابت از امام زیدیه یمن، المتوکل احمد بن سلیمان (متوفای ۵۶۶ق) اشخاص خاصی را دعوت کرد. البته به مصلحت در شرایط حساس گیلان نمی‌توانست به صورت علنی و عمومی نام متوکل را در خطبه بگوید؛ زیرا امامت خودش با مشکل مواجه می‌شد (مادلونگ، ۱۹۸۷: ۱۵۹). در خیبر نیز قاضی الفاضل عبید مولی علی و در ینبع، شریف سید حسن بن عبدالکریم الحسنی به نام او خطبه می‌خواندند (محلّی، ۱۴۲۳: ۲/۲۴۴؛ مطاع، ۱۹۸۶: ۳۶۲).

۴. سرانجام کار متوکل

در سال ۵۶۵ق. متوکل با تعداد کمی از محافظان برای بازدید و بازرسی به مناطق ذمار رفت. اشراف قاسمی^۲ که در وادعه از نواحی ظاهر^۳ ساکن بودند، پس از آگاهی از ورود او به وادعه و اهنوم

→ امام زیدیه یمن، متوکل علی الله احمد بن سلیمان (متوفای ۵۶۶ق) در گیلان؛ ۳. پذیرش امامت منصور بالله عبدالله بن حمزه یمنی، از سوی طبرستان و گیلان.

۱ محلّی در کتاب *حدائق الوردیه* نام امام زیدیه در گیلان را که به نام متوکل خطبه می‌خواند، «سید علی محمد العربی» نوشته است (محلّی، ۱۴۲۳: ۲/۲۴۴؛ ابن‌فند، ۱۴۲۳: ۲/۷۶۶).

۲ قاسمیان در ذمار منسوب به قاسم بن عیانی می‌باشند (ربعی، ۱۴۱۳: ۵۵-۵۹).

۳ ظاهر: منطقه‌ای در غرب صعده است (محقفی، ۱۹۸۵: ۱/۹۷). یک ظاهر دیگر هم در شمال صنعا وجود دارد که قبایل همدان در آنجا ساکن‌اند (حجری، ۱۴۱۶: ۵۶۳/۳).

(شامی، ۱۴۲۶: ۴۷۲/۱)، خیانت کردند و امام را دستگیر و او را در کارگاه نساجی در اُثافت^۱ (ابن‌دیبع، ۱۴۰۹: ۲۵۶) نزدیک شهر خَمَر زندانی کردند (زبارة، ۱۴۱۹: ۱۴۴/۲). پسران متوکل از علی بن حاتم خواستند متوکل را شفاعت کند و او نامه‌ای به قَلْبَةُ بِن قاسم قاسمی از پیروان حسینیّه نوشت (محلّی، ۱۴۲۳: ۲۴۴/۲) تا متوکل را آزاد کند (شامی، ۱۴۲۶: ۴۷۲/۱). پس از درگیری میان اصحاب امام و قاسمیان، ضربه‌ای به چشم امام اصابت کرد و او مجروح و سپس نابینا شد (زبارة، ۱۴۱۹: ۱۴۴/۲). متوکل پس از رهایی از اسارت، هنگامی که حاتم از کوبان عبور می‌کرد (خزرجی، ۱۴۳۰: ۱۳۸۴/۳)، از همدانیان و علی بن حاتم قدردانی کرد (ابن‌قاسم، ۱۳۸۸: ۳۱۸/۱) که برای آزادی او تلاش کرده بودند (زبارة، ۱۴۱۹: ۱۶۱/۲). متوکل از حاتم خواست از قاسمیان انتقام بگیرد. حاتم در سال ۵۶۶ با سپاهی عظیم به سوی اُثافت حرکت کرد، اما آنها تسلیم نشدند. حاتم روستای بنی‌قیس، بنی‌عبس و آبادی‌ها و قلعه‌های آنان را ویران کرد و با وساطت شیخ حسن بن یعفر، آنها را بخشید و با متوکل به خولان شام بازگشت (ابن‌دیبع، ۱۴۰۹: ۲۵۷). متوکل سپس به حوث و بعد از آن به یَسَم در شمال صعده رفت (زبارة، ۱۴۱۹: ۱۴۴/۲). او سرانجام پس از ۳۳ سال حکومت طولانی، در حالی که نابینا شده بود (ابن‌فند، ۱۴۲۳: ۷۶۶/۲)، در ربیع‌الثانی سال ۵۶۶ درگذشت و در شهر حیدان از بلاد خولان بن عامر در غرب صعده، به خاک سپرده شد (جرافی، ۱۴۰۷: ۱۷۸؛ ثقفی، ۲۰۰۲: ۱۲). اوضاع آشفته و نابسامان یمن باعث شده بود امیر یحیی بن احمد بن سلیمان یکی از پسران متوکل، در سال ۵۶۷ در صعده قیام کند (مطاع، ۱۹۸۶: ۳۶۳)، اما پس از نبردهای متعدد با اسماعیلیه و حسینیّه، نتوانست همچون متوکل بر مناطق مختلف یمن چیره شود و در سال ۵۹۵ در اُثافت درگذشت (محلّی، ۱۴۲۳: ۲۴۴/۲؛ ابن‌فند، ۱۴۲۳: ۸۳۹/۲).

نتیجه‌گیری

زبیدیه در قرن ششم در انزوای سیاسی بود تا اینکه متوکل با صلابت و عزم استوار و اراده‌ای قوی برای یکپارچه‌سازی و اتحاد مناطق یمن تلاش بسیار کرد. هدفش از میان برداشتن دولت‌های مخالف محلّی مستقل و نیمه‌مستقل بود و تا حدودی موفق شد مناطق شمالی یمن را متحد کند.

۱ اُثافت: شهر باستانی قدیمی ویران‌شده در شرق شهر خَمَر است (حجری، ۱۴۱۶: ۵۶/۱). این شهر در اواخر قرن ششم توسط فرزند متوکل محمد بن سلیمان برای انتقام بردارش یحیی ویران شد (محقفی، ۱۹۸۵: ۲۴/۱).

یافته‌های این مقاله نشان داد که موانع و چالش‌هایی چون فعالیت حسینی و مطرفیه، عدم انسجام زیدیه صعه و صنعا، تعصبات قبیله‌ای و پراکندگی یاران و همچنین رقابت میان حاکمان محلی، در گند شدن فعالیت‌های متوکل مؤثر بود. متوکل به مسائل شرعی و اجرای احکام الهی حساس بود و برای اطمینان از اطاعت و تسلیم آنها در برابر خود و عدم تخطی از دستورات اسلام، به والی مالیات و حقوق می‌داد و او را مجبور به اطاعت و اجرای قوانین و حدود اسلامی می‌کرد. اگر والی سرپیچی می‌کرد، او را عزل و به شدت برخورد می‌کرد و یا با وی می‌جنگید؛ همان‌طور که با فاتک سوم در زبید و برخی از سلاطین و بزرگان رفتار کرد. برآیند پژوهش حاضر این است که متوکل با تکاپوی سیاسی و فرهنگی توانست زیدیه را از رکود و افول‌هایی دهد و به عنوان احیاگر و آغازگر دوره دوم حکومت زیدیه در یمن شناخته شود.

شاید بتوان عوامل زیر را از مهم‌ترین عوامل موفقیت و پیروزی متوکل به عنوان آغازگر و احیاگر دوره دوم حکومت زیدیه در یمن دانست:

- حمایت سیاسی و نظامی متوکل از علما و اشراف زیدیه؛
 - برقراری صلح میان قبایل زیدیه و غیرزیدیه؛
 - افول حکومت خلفای فاطمی مصر که از صلیحیان حمایت می‌کردند؛
 - سقوط حکومت صلیحیان با مرگ ملکه اروی؛
 - اجرای حدود و احکام الهی و امر به معروف و نهی از منکر و عدالت‌خواهی.
- با توجه به یافته‌های پژوهش، از جمله موانع و مشکلات عدم تداوم قیام و حکومت متوکل را می‌توان در چند مورد کلی ارزیابی کرد:

- نبردهای متعدد با حاکمان محلی و ضعف نیروی انسانی و نظامی؛
- پراکندگی، اختلاف و عدم انسجام اشراف و یاران در درون زیدیه؛
- تعصبات و حسادت‌های قبیله‌ای در صعه و صنعا؛
- جابه‌جایی‌های مکرر و نداشتن پایگاه و مقر حکومتی قدرتمند و مورد قبول و پذیرش همه زیدیان؛
- کشتار بی‌رحمانه و بی‌محابای همدانیان صنعا، حافظیه و باطنیه؛
- نداشتن جانشینی قدرتمند برای ادامه فعالیت سیاسی؛

- ابن حائك، ابو محمد حسن بن احمد همداني، (١٣٨٦)، الاكليل من اخبار اليمن و انساب الحمير، تحقيق محب الدين الخطيب، ج ٨، قاهره: السلفية.
- (١٤٠٣)، صفة جزيرة العرب، تحقيق محمد بن علي أكوغ، ج ١، صنعاء: مكتبة الارشاد.
- ابن حمزه، منصور بالله عبدالله بن سليمان حسيني (١٤٠٦)، الشافي، ج ١، بيروت: مؤسسة الاعلمى للمطبوعات.
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد (١٣٦٣)، العبر، تحقيق عبدالمحمد آيتي، ج ٣، تهران: مؤسسة مطالعات و تحقيقات فرهنگي.
- (١٤٠٨)، تاريخ ابن خلدون، تحقيق سهيل زكار، ج ٣، بيروت: دار الفكر.
- ابن ديبع، أبي الضيا عبدالرحمن بن علي الشيباني الزبيدي (١٤٠٩)، قرة العيون في أخبار اليمن الميمون، تحقيق محمد الأكوغ، قاهره: السلفية.
- (١٤٦١)، نشر المحاسن اليمانية في خصائص اليمن و نسب القحطانية، تحقيق احمد راتب حموش، بيروت: دار الفكر المعاصر.
- ابن فند، محمد بن علي (١٤٢٣)، مآثر الابرار في تفصيل مجملات الاخبار، تحقيق عبدالسلام الوجيه و خالد المتوكل، ج ٢، عمان: مؤسسة الامام زيد بن علي.
- ابن قاسم، يحيى بن حسين (١٣٨٨)، غالية الاماني في اخبار القطر اليماني، تحقيق سعيد عبدالفتاح عاشور و محمد مصطفى زياده، ج ١، قاهره: [بي نا].
- ابن مجاور، ابو الفتح نجم الدين يوسف بن يعقوب بن محمد بن علي شيباني دمشقي (١٩٩٦)، تاريخ المستنصر، تحقيق ممدوح حسن محمد، ج ١، قاهره: مكتبة الثقافة الدينية.
- اكوغ، اسماعيل بن علي (١٤١٧)، هجر العلم و معاقله في اليمن، ج ٢، دمشق: دار الفكر.
- ثقفى، سليمان بن يحيى (٢٠٠٢)، سيرة الامام متوكل على الله احمد بن سليمان، تحقيق عبدالغنى محمد عبدالعاطي، [بي جا]: عين الدراسات و بحوث الانسانية.
- جرافي، عبدالله بن عبدالكريم اليمنى (١٤٠٧)، المقتطف من تاريخ اليمن، بيروت: العصر الحديث.
- حجرى، محمد بن أحمد بن علي (١٤١٦)، مجموع البلدان اليمن و قبائلها، تحقيق محمد بن احمد و اسماعيل بن علي اكوغ، ج ١، ٢، ٣، صنعاء: دار الحكمة اليمانية.
- حسيني اشكوري، احمد (١٤١٣)، مؤلفات الزيدية، ج ٢، قم: مكتبة آية الله العظمى المرعشى النجفي (ره).
- حموى، ياقوت بن عبدالله (١٣٨٠)، معجم البلدان، ترجمة على نقى منزوى، ج ٥، تهران: سازمان ميراث فرهنگي كشور.
- خزر جي، أبي حسن على انصارى (١٤٠١)، المسجد المسبوك فيمن ولي اليمن من الملوک، دمشق: دار الفكر، ج ٢.
- خزر جي، على بن حسن (١٤٣٠)، العقد الفاخر الحسن في طبقات أكابر أهل اليمن، ج ١، ٣، صنعاء: مكتبة الجيل الجديد.
- ديلمى، محمد بن حسن (١٩٥٠)، قواعد عقائد آل محمد (ص) في الرد على الباطنية، تحقيق اشروتمان، باريس:

- دار البیلون.
- رَبْعِي، مَفْرَحُ بْنُ أَحْمَدَ (١٤١٣)، *سيرة الأميرين الجليلين الشريفين الفاضلين (القاسم و محمد ابني جعفر ابن الإمام القاسم بن علي العياني)*، تحقيق عبدالغني محمد عبدالعاطي، بيروت: المؤسسة الجامعية للدراسات والنشر والتوزيع.
- زَبَارَه، مُحَمَّدِينَ مُحَمَّدِينَ يَحْيَى الْحَسَنَى الْيَمَنِي الصَّنَعَانِي (١٤١٩)، *خلاصة المتون في انباء و نبلاء اليمن الميمون*، ج ٢، صنعاء: مركز التراث اليمني.
- زُرْكَلِي، خَيْرُ الدِّينِ (٢٠٠٢)، *الاعلام*، ج ٨، بيروت: دار العلم للملايين.
- زَكَار، سَهِيلُ (٢٠٠٧)، *الجامع في أخبار القرامطة*، ج ١، دمشق: التكوين.
- زَيْد، عَلِي مُحَمَّد (١٩٩٧)، *تيارات معتزلة اليمن في القرن السادس الهجري*، صنعاء: المركز الفرنسي للدراسات اليمنية.
- سَبْحَانِي، جَعْفَرُ (١٤٢٤)، *معجم طبقات المتكلمين*، ج ٢، قم: مؤسسة الإمام الصادق.
- سِنَاعِي، شَمْسُ الدِّينِ جَعْفَرُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ السَّلَامِ تَمِيمِي بَهْلُولِي (١٤٢٢)، *تيسير المطالب في أمالي أبي طالب*، صنعاء: مؤسسة الإمام زيد بن علي الثقافية.
- شَامِي، أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ (١٤٢٤)، *تاريخ اليمن الفكري في العصر العباسي*، ج ١، ٢، بيروت: منشورات العصر الحديث.
- شَهَارِي، إِبْرَاهِيمُ بْنُ قَاسِمِ بْنِ مُؤَيَّدٍ بِاللَّهِ (١٤٢١)، *طبقات الزيدية الكبرى (بلوغ المراد الى معرفة الاسناد)*، تحقيق عبدالسلام بن عباس و جيه، ج ١، ٢، ٣، صنعاء: مؤسسة الإمام زيد بن علي الثقافية.
- عَرِشِي، حَسَنُ بْنُ أَحْمَدَ (١٣١٨)، *بلوغ المرام في شرح مسك الختام في من تولى ملك اليمن من ملك و امام*، به كوشش انستاس ماري كرملي، بيروت: [بي نا].
- عَمَارَه، يَمِينِي، أَبُو مُحَمَّدِينَ أَبِي الْحَسَنِ (١٩٨٥)، *تاريخ اليمن؛ المختصر المنقول من كتاب العبر، اخبار القرامطة باليمن موسوم به المفيد في أخبار صنعاء و زيد*، صنعاء: مكتبة الإرشاد.
- فَتِيه، مُحَمَّدِي جَلَالِي، مُحَمَّدُ مَهْدِي (١٣٨٥)، *تاريخ تشيع و مزارات شهرستان ساري*، قم: انتشارات وثوق.
- فُؤَادُ سَيْد، أَيْمَنُ (١٤٠٨)، *تاريخ المذاهب الدينية في البلاد اليمن حتى نهاية القرن السادس الهجري*، بيروت: دار المصير اللبنانية.
- قَزْوِينِي، زَكْرِيَابَن مُحَمَّد (١٣٧٣)، *آثار البلاد و اخبار العباد*، ترجمة جهانگیرميرزا قاجار، به كوشش ميرهاشم محدث، تهران: اميركبير.
- مَادَلُونْغ، وَيْلْفَرْدُ (١٩٨٧)، *اخبار ائمة الزيدية في طبرستان و ديلمان و جيلان (رسالة يوسف بن أبي الحسن)*، بيروت: مطبعة المتوسط.
- (١٣٧٥)، *مكتبها و فرقههاي اسلامي در سدهاي ميانه*، ترجمة جواد قاسمي، مشهد: آستان قدس رضوي.
- مَتَوَكَّل، أَحْمَدُ بْنُ سَلِيمَانَ (١٤٢٤)، *حقائق المعرفة*، صنعاء: مؤسسة الإمام زيد بن علي الثقافية.
- مُحَلِّي، حَمِيدُ بْنُ أَحْمَدَ (١٤٢٣)، *الحدائق الورديّة في مناقب ائمة الزيدية*، تحقيق مرتضى بن زيد

- المحطوري الحسني، ج ٢، صنعاء: مكتبة بدر.
- مدني، ضامن بن شدقم (١٤٢٦)، *تحفة الأزهار و زلال الأنهار في نسب أبناء الأئمة الأطهار*، ج ١، [بي جا]: التراث المكتوب.
- مطاع، احمد بن احمد (١٩٨٤)، *تاريخ اليمن الاسلامي*، تحقيق عبدالله محمد الحبشي، بيروت: منشورات المدينة.
- مقضي، ابراهيم احمد (١٩٨٥)، *معجم المدن و القبائل اليمنية*، ج ١، ٢، صنعاء: منشورات دار الحكمة.
- مؤيدي، مجد الدين بن محمد حسني (١٤٣٨)، *التحف شرح الزلف*، صنعاء: مكتبة أهل البيت^(٤).
- واسعي، عبدالواسع بن يحيى يمانى (١٣٤٦)، *تاريخ اليمن؛ فرجة الهموم و الحزن في حوادث و تاريخ اليمن*، قاهره: [بي نا].
- وجيه، عبدالسلام (١٤٢٠)، *اعلام المؤلفين الزيدية*، عمان: مؤسسة الامام زيد بن علي.

List of sources with English handwriting

- Akwa', Ismail bin Ali (1417). *Hijr al-Ilm wa Ma'aqilihi fi al-Yaman*, vol. 2, Damascus: Dar al-Fikr. [In Persian]
- Ammara Yemeni, Abu Muhammad ibn Abi al-Hasan (1985). *Tarikh al-Yaman; al-Mukhtasar al-Manqul min Kitab al-Ibr*, Akhbar al-Qaramitah bi-al-Yaman Musawwam bi-al-Mufid fi Akhbar Sana'a wa Zabid. Sana'a: Maktabat al-Irshad. [In Persian]
- Arshi, Husayn ibn Ahmad (1318). *Bulugh al-Maram fi Sharh Musk al-Khatam fi Man Tawalla Malik al-Yaman min Malik wa Imam*, edited by Anastas Marie Karmaly. Beirut: [n.p.]. [In Persian]
- Daylami, Muhammad ibn Hasan (1950). *Qawaid Aqa'id Al al-Muhammad (S) fi al-Radd 'ala al-Batiniyyah*. Edited by Strothmann. Paris: Dar al-Bibliothéque. [In Persian]
- Fouad Sayyed, Ayman (1408). *History of Religious Sects in Yemen Until the End of the Sixth Century Hijri*, Beirut: Dar al-Mashriq al-Lubnaniyah. [In Persian]
- Hamwi, Yaqut ibn Abdullah (1380). *Mujam al-Buldan*. Translated by Ali Naqi Manzavi. Vol. 5. Tehran: Sazman-e Miras-e Farhangi Keshvar. [In Persian]
- Hijri, Muhammad ibn Ahmad ibn Ali (1416). *Majmu al-Buldan al-Yaman wa Qaba'il-ha*. Edited by Muhammad ibn Ahmad and Ismail ibn Ali Akwa'. 3 vols. Sana'a: Dar al-Hikmah al-Yamaniyah. [In Persian]
- Hosseini Ashkuri, Ahmad (1413). *Mu'allifat al-Zaidiyyah*. Vol. 2. Qom: Maktabat Ayatollah al-Uzma al-Marashi al-Najfi (ra). [In Persian]
- Ibn Abi al-Rijal, Ahmad bin Salih (1425). *Matla' al-Budur wa Majma' al-Buhur fi Tarajim Rijal al-Zaidiyyah*, edited by Abdul Raqib Mutahhar and Muhammad Hajr, vol. 2, Sa'dah: Markaz Ahl al-Bayt li-l-Dirasat al-Islamiyyah. [In Persian]
- Ibn al-Ha'ik, Abu Muhammad Hasan bin Ahmad Hamdani (1386). *Al-Iklil min Akhbar al-Yaman wa Ansab al-Hamir*, edited by Muhib al-Din al-Khatib, vol. 8, al-Salfiyyah,

Cairo. [In Persian]

- Ibn al-Ha'ik, Abu Muhammad Hasan bin Ahmad Hamdani (1403). *Sifat Jazirat al-Arab*, Muhammad bin Ali Akwa', vol. 1, Sana'a: Maktabat al-Irshad. [In Persian]
- Ibn Dibe', Abi al-Diya' Abdul Rahman bin Ali al-Shaibani al-Zabidi (1409). *Qurat al-Uyūn fi Akhbar al-Yaman al-Maymun*, edited by Muhammad al-Akwa', Cairo: al-Salfiyyah. [In Persian]
- Ibn Dibe', Abi al-Diya' Abdul Rahman bin Ali al-Shaibani al-Zabidi (1461). *Publishing Yemeni Virtues in the Characteristics of Yemen and the Lineage of Qahtan*, researched by Ahmed Rateb Hamoush, Beirut: Dar Al-Fikr Al-Mu'asir. [In Persian]
- Ibn Fund, Muhammad bin Ali (1423). *Ma'athir al-Abrar fi Tafsil Mujmalat al-Akhbar*, edited by Abdul Salam al-Wajih and Khalid al-Mutawakkil, vol. 2, Oman: Mu'assasat al-Imam Zayd bin Ali. [In Persian]
- Ibn Hamza, Mansur billah Abdullah bin Sulayman Husseini (1406). *Al-Shafi*, vol. 1, Beirut: Mu'assasat al-A'lami li-l-Matbu'at. [In Persian]
- Ibn Khaldun, Abdul Rahman bin Muhammad (1363). *Al-Ibar*, edited by Abdul Muhammad Aiti, vol. 3, Tehran: Mu'assasat al-Dirasat wa al-Tahqiqat al-Thaqafiyah. [In Persian]
- Ibn Khaldun, Abdul Rahman bin Muhammad (1408). *Tarikh Ibn Khaldun*, edited by Suhayl Zakar, vol. 3, Beirut: Dar al-Fikr. [In Persian]
- Ibn Majawir, Abu al-Fath Najm al-Din Yusuf bin Ya'qub bin Muhammad bin Ali Shaibani Dimashqi (1996). *Tarikh al-Mustabsir*, edited by Mamduh Hassan Muhammad, vol. 1, Cairo: Maktabat al-Thaqafah al-Diniyyah. [In Persian]
- Ibn Qasim, Yahya bin Hussein (1388). *Ghayat al-Amani fi Akhbar al-Qatr al-Yamani*, edited by Said Abdul Fattah Ashur and Muhammad Mustafa Zayadah, vol. 1, Cairo: [n.p.]. [In Persian]
- Jalali, Mohammad Mahdi Faqih (1385). *History of Shiaism and Shrines of Sari County*. Qom: Vosogh Publications. [In Persian]
- Jarrafi, Abdullah ibn Abd al-Karim al-Yemeni (1407). *Al-Muqatafat min Tarikh al-Yaman*. Beirut: al-'Asr al-Hadith. [In Persian]
- Khazraji, Abi al-Hasan Ali Ansari (1401). *Al-Asjad al-Masbuk fi-man Wali al-Yaman min al-Muluk*. 2nd ed. Damascus: Dar al-Fikr. [In Persian]
- Khazraji, Ali ibn Hasan (1430). *Al-'Uqd al-Fakhir al-Hasan fi Tabaqat Akabir Ahl al-Yaman*, vol. 1-3, Sanaa: Maktabat al-Jayl al-Jadid. [In Persian]
- Madelung, Wilferd (1375). *Schools and Sects of Islam in the Middle Ages*. Translated by Javad Qasemi. Mashhad: Astan Quds Razavi. [In Persian]
- Madelung, Wilferd (1987). *Akhbar al-A'imma al-Zaidiyyah fi Tabaristan wa Daylam wa Gilan (Risalah Yusuf ibn Abi al-Hasan)*. Beirut: Matba'at al-Mutawassit. [In Persian]
- Motawakkel, Ahmad bin Sulaiman (1424). *Realities of Knowledge*, Sanaa: Imam Zeid bin Ali Cultural Foundation. [In Persian]
- Mu'ayyadī, Majd al-Dīn ibn Muḥammad Ḥasanī (1438). *al-Tuḥaf Sharḥ al-Zulf*. Sana'a: Maktabat Ahl al-Bayt. [In Persian]

- Mudhni, Zamn bin Shadqam (1426). *The Gift of Flowers and the Purity of Rivers in the Genealogy of the Offspring of the Immaculate Imams*, vol. 1, [Publisher Not Specified]: Al-Turath Al-Maktoub. **[In Persian]**
- Muhallī, Ḥumayd ibn Aḥmad (1423). *Al-Ḥadā'iq al-Wardīyyah fī Manāqib A'immaḥ al-Zaidiyyah*. Edited by Murtada ibn Zayd al-Mahturi al-Hasani. Vol. 2. Sana'a: Maktabat Badr. **[In Persian]**
- Muqḥafī, Ibrāhīm Aḥmad (1985). *Mu'jam al-Mudun wa al-Qabā'il al-Yamanīyyah*. Vols. 1 & 2. Sana'a: Manšūrāt Dār al-Ḥikmah. **[In Persian]**
- Muṭṭa', Aḥmad ibn Aḥmad (1986). *Tārīkh al-Yaman al-Islāmī*. Edited by 'Abd Allāh Muḥammad al-Ḥabashī. Beirut: Manšūrāt al-Madīnah. **[In Persian]**
- Qazvini, Zakariyya ibn Muḥammad (1373). *Athar al-Bilad wa Akhbar al-Ibad*. Translated by Jahangir Mirza Qajar. Tehran: Amir Kabir. **[In Persian]**
- Rabii, Mufrakh bin Ahmad (1413). *The Biography of the Honorable, Virtuous Princes (Al-Qasim and Muhammad, Sons of Ja'far, Son of Imam Qasim bin Ali Al-Ayani)*, edited by Abdulghani Muhammad Abdul-Aati, Beirut: Al-Mu'assasah al-Jami'iyah lil-Dirasat wa al-Nashr wa al-Tawzi'. **[In Persian]**
- Sana'i, Shams al-Din Ja'far ibn Ahmad ibn Abd al-Salam Tamimi Bahloli (1422). *Taysir al-Matālib fī Amālī Abī Ṭālib*. Sana'a: Mu'assasah al-Imam Zayd ibn Ali al-Thaqafiyyah. **[In Persian]**
- Shahari, Ibrahim ibn Qasim ibn Mu'ayyad bi-llah (1421). *Tabaqat al-Zaidiyyah al-Kubra (Bulugh al-Murad ila Ma'rifah al-Asnad)*, edited by Abd al-Salam ibn Abbas Wajih, vols. 1, 2, & 3. Sana'a: Mu'assasah al-Imam Zayd ibn Ali al-Thaqafiyyah. **[In Persian]**
- Shami, Ahmad ibn Muhammad (1426). *Tarikh al-Yaman al-Fikri fī al-Asr al-Abbasi*, vols. 1 & 2. Beirut: Manshurat al-'Asr al-Hadith. **[In Persian]**
- Subhani, Ja'far (1424). *Mu'jam Tabaqat al-Mutakallimin*, vol. 2. Qom: Mu'assasah al-Imam al-Sadiq. **[In Persian]**
- Thaqfi, Sulayman ibn Yahya (2002). *Sirat al-Imam al-Mutawakkil ala Allah Ahmad ibn Sulayman*. Edited by Abd al-Ghani Muhammad Abd al-Ati. [Place of publication not given]: 'Ain al-Dira. **[In Persian]**
- Wajih, Abdul Salam (1420). *The Notables of Zaidi Authors*, Oman: Imam Zeid bin Ali Foundation. **[In Persian]**
- Wāsi'ī, 'Abd al-Wāsi' ibn Yaḥyā Yāmānī (1346). *Tārīkh al-Yaman; Farjat al-Humum wa al-Huzn fī Ḥawādith wa Tārīkh al-Yaman*. Cairo: al-Ṭabā'ah al-Salafiyyah. **[In Persian]**
- Zakkar, Suhayl (2007). *Al-Jami' fī Akhbar al-Qaramitah*, vol. 1. Damascus: Al-Takwin. **[In Persian]**
- Zarkali, Khayr al-Din (2002). *Al-A'lam*, vol. 8. Beirut: Dar al-Ilm lil-Malayin. **[In Persian]**
- Zayd, Ali Muhammad (1997). *Tiyarat Mu'tazilah al-Yaman fī al-Qarn al-Sadis al-Hijri*. Sana'a: Al-Markaz al-Faransawi lil-Dirasat al-Yamaniyyah. **[In Persian]**
- Zubarah, Muhammad ibn Muhammad ibn Yahya al-Hasani al-Yemeni al-San'ani (1419). *Khulasat al-Mutun fī Anba' wa Nubala' al-Yaman al-Maymun*, vol. 2. Sana'a: Markaz al-